

آمیولانس

نزدیکان احمدی نژاد فضولی کردند



پوریا عالمی

● منصور حقیقت‌پور، نایبرئیس کمیسیون امنیت‌ملی مجلس، زنگ زد به موبایلم و گفت: «نزدیکان احمدی‌نژاد حق «فضولی» در امور دولت‌بازدهم را ندارند و بهتر است پاسخگوی عملکرد خسارت‌بار دولت‌های نهم و دهم باشند»

عصبانی شدم و حواسم پرت شد و آمیولانس خوردم به منت‌هالیه یک تریلی سه‌هزارمیلیاردتنی و درش باز شد و ده‌ها سه‌هزارمیلیاردتومان پخش هوا شد و خروار خروار ارز دارو هوا شد و از هوا ماشین وارداتی افتاد رو سروکول ما. آمیولانس چی؟ آمیولاس که جمع شد، ولی تریلی آخ نگفته بود.

نایبرئیس کمیسیون امنیت‌ملی گفت: الو... الو... آمیولانس چی؟ اتفاقی برات افتاد؟ گفتم: خدا را شکر اتفاق به آن بزرگی را بعد هشت‌سال دیدید. حالا هم نگران من نباشید، جای من مشکلات مردم را ساپورت کنید. وی گفت: نه آخر نمی‌شود. نزدیکان احمدی‌نژاد فضولی می‌کنند. حق ندارند فضولی کنند. گفتم: تا الان فکر می‌کردم سیاست خاله‌بازی است و سیاستمداران خاله‌بازی می‌کنند. از الان مطمئن شدم سیاست دکتربازی است و سیاستمدارها توی انواع بیماری آدم فضولی می‌کنند.

او گفت: «نزدیکان احمدی‌نژاد لطامت بسیاری به پیکره اقتصاد و سیاست کشور وارد کرده‌اند.»

گفتم: اوهاو... خیلی کار بدی کردند... حتما دعواشون می‌کنم... لطامت، بسیاری وارد کردند؟ اوهاو... ولی وای... چه کار بدی... خیلی ناراحت شدم... اوووووو...

بعد با کله رفتم توی فرمان و گفتم: همچین می‌گویید لطامت، بسیاری زده‌اند، انگار با کلید روی ماشین مردم خط انداخته‌اند. یا انگار ماشین لباسشویی را خودشان نتوانسته‌اند روشن کنند. بعد هشت‌سال تازه می‌گویید حق ندارند فضولی کنند؟ می‌هی... یک زمان هر کی شده؟ دست‌کم یک بخشیدی، چیزی به آن منتقدان و دانشگاهی‌ها و مطبوعاتی‌های خفته‌نشین‌شده و تعنشین‌شده و عزلت‌نشین بگویید، آدم اشکش درنیاید. البته اگر شانس من است که فردا می‌گویند عالمی هم فضولی کرد و فضول را بردند چهنم و گفت اووووووووو تریلی تریلی و خاوری خاوری و انحرافی انحرافی نستندند دارند از خوشحالی قارچ کباب می‌کنند و مردم هم دارند از ناراحتی قارچ می‌خورند و بغض کرده‌اند.

جایی میان آفتاب و سایه

دیوار کوتاه نویسنده



● **محمود برآبادی** نویسنده کتاب‌های کودکان

● چندی پیش هنگامی که بعد از پیگیری‌های مکرر برای دریافت حق‌التالیف تجدید چاپ کتابم به ناشر مراجعه کردم، در کمال تعجب دیدم که پنج‌رصد از حق‌التالیف کسر شده است. وقتی علت را پرسیدم، مسئول امور مالی ناشر به من گفت: «مبلغ کسر شده بابت مالیات است.» گفتم: «مگر نویسندگان از پرداخت مالیات معاف نیستند؟» بعد بریده کتاب هفته را نشان دادم که نوشته بود: «تمامی فعالیت‌های مرتبط با انتشار کتاب، شامل تحقیق، تالیف، ترجمه، تصحیح، ویراستاری، صفحه‌آرایی، تصویر گری، حروفچینی، صفحه‌بندی، طراحی، نشر، پخش و فروش کتاب از مالیات معاف شده.» (کتاب هفته، شماره ۲۲۷، دوشنبه ۱۴ خرداد ۱۳۸۲، صفحه ۱۲)

مسئول امور مالی هم ناماهی به من نشان داد که طی آن مبلغ کسر شده عینا به حساب اداره امور مالیاتی، شمال تهران واریز شده بود. او در برابر اعتراض من گفت: «اما هم از این قانون مطلعیم، اما وزارت اقتصاد و دارایی آن را نمی‌پذیرد و ما عملاً باید به آنها تمکین کنیم. شما بروید اعتراضتان را به آنها بکنید.»

ظاهرا اداره امور مالیات استدلالش این است که تنها آن دسته از نویسندگانی که پرونه کسب دریافت کرده باشند، از مالیات معافند.

پاسخ این است که مگر وزارت ارشاد به نویسنده پرونه کسب می‌دهد؟ در ثانی مجوز چاپ کتاب در واقع نوعی مجوز فعالیت نویسنده محسوب می‌شود و دیگر اینکه قانون مصوب مجلس صراحت دارد و هیچ گونه شرطی تعیین نکرده است.

متأسفانه دیواری کوتاه‌تر از دیوار نویسنده وجود ندارد. چگونه است که بخش خصوصی و بسیاری از ناشران دولتی از این قانون تبعیت می‌کنند و از نویسندگان مالیات کسر نمی‌کنند، اما تعدادی از ناشران چنین نمی‌کنند. انجمن نویسندگان کودکان و نوجوان به عنوان نهادهی مدافع حقوق صنفی نویسندگان کودکان و نوجوان تاکنون بارها به این امر اعتراض کرده و در بیانیه‌های خود سرپیچی از قانون مصوب مجلس شورای اسلامی را با هر بهانه‌ای، غیرقابل قبول دانسته است. اما ظاهرا این اعتراض‌ها تأثیر چندانی بر روش وزارت اقتصاد و دارایی و آن دسته از ناشرانی که دیواری کوتاه‌تر از دیوار نویسنده سراغ ندارند، نداشته است.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۲۴ تیر ۱۳۹۲ • ۱۷ رمضان ۱۴۳۵ • ۱۵ جولای ۲۰۱۴ • سال یازدهم • شماره ۲۰۶۵ • ۱۶ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۳:۱۰ • اذان مغرب ۲۰:۴۱ • اذان صبح فردا ۴:۱۸ • طلوع آفتاب ۶:۰۰

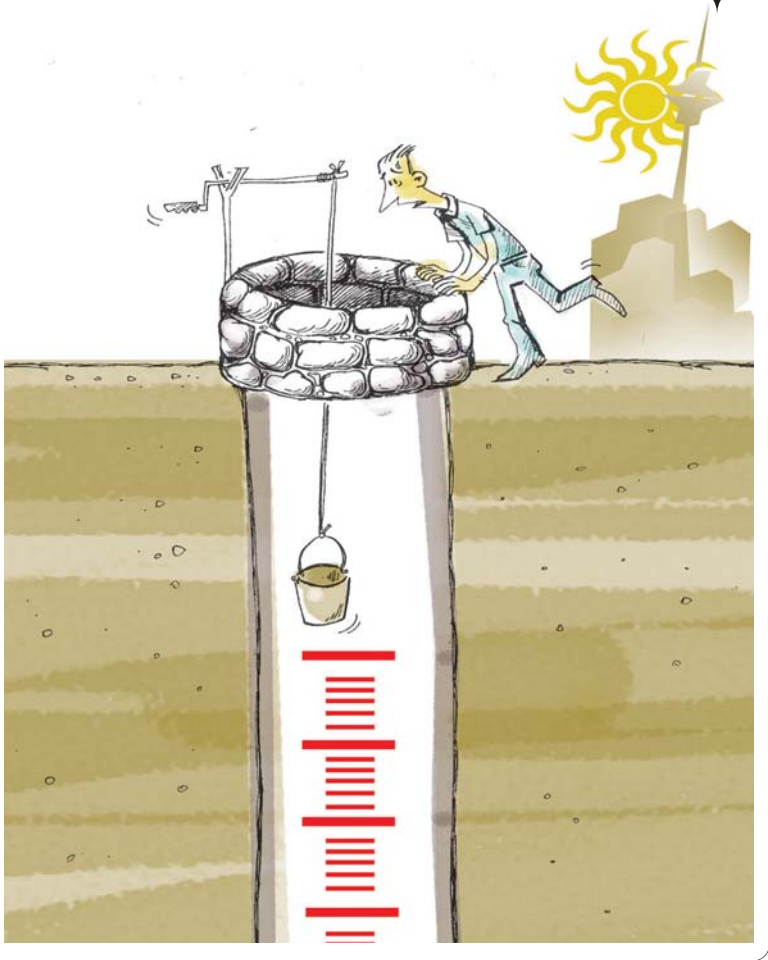
روزنارخرا

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

فیروزه مظفری

firoozeh.mozaffari@gmail.com



معادله چند مجهولی

یک هشدار و خواهش جدی



● **احمد طالبی‌نژاد**

که فکر می‌کنند پدر و مادرشان متعلق به عصر دایناسورها هستند و نمی‌توانند آنها را درک کنند، به جای روابط مستقیم انسانی، به روابط مشکوک مجازی پناه ببرند. امروز وارد اغلب خانه‌ها که می‌شوید، این گسستگی را به چشم می‌بینید. هرکس در گوشه‌ای از خانه، دنیای خودش را ساخته و به آن مشغول است. یکی پای تلویزیون نشسته و دارد فیلم و سریال – اغلب از نوع ترکی یا آمریکای لاتینی‌اش – می‌بیند، دیگری، در کنج اتاق یا گوشه‌ای از نشیمن، لپ‌تاپش را روی زانو گذاشته و در دنیای مجازی سیر می‌کند، دیگری دارد جدول حل می‌کند یا کارهای بیهودهای از این قبیل و به‌رحال هرکس سر در کار خود دارد. این تنهایی و انزوا که اتفاقا در خارج از خانه هم مشهود است، –مثلا در مترو اغلب با تلفن همراه خود ور می‌روند– باعث کنش خلی‌ها و نطفقت نسل جوان، به فضای مجازی شده است. این درد مشترک همه جوامع است. بی‌دلیل نیست که فیلمسازی آمریکایی، دسته‌به‌کار شده و با خلق این اثر، هم به آمریکایی‌ها و هم به جهانیان هشدار داده است. نمی‌خواهم داستان فیلم را لو دهم، تا آنان که ندیده‌اند، کنج‌کو بمانند و هرچه‌زودتر نسخه‌ای از آن را تهیه کنند و خود شاهد باشند که وقتی می‌گوییم «هولناک»، یعنی چه. اما همین‌قدر اشاره می‌کنم که شاهد سه ماجرای درهم‌تنیده هستیم که از دانش‌آموزان مدرسه تا زوج‌های جوان و مایسال را به مرز ویرانی و اضمحلال می‌کشاند. سازندگان فیلم، تقریبا به همه ابعاد منفی و البته چند وجه مثبت این بالای قرن پرداخته‌اند. ای‌کاش تلویزیون به جای این‌همه برنامه نصیحت‌گری که تاکنون تأثیری هم بر اخلاق اجتماعی مردم نداشته‌اند، که اگر می‌داشتند، صفحات حوادث روزنامه‌ها مملو از وقایع تلخ اخلاقی و اجتماعی نبودند، همت می‌کرد و این فیلم به راستی آموزنده را نمایش می‌داد.

میراث فردا

کوک‌های بلوچ؛ از مهتاب تا زینب

دی‌ماه۸۶، سیلی در «بمپور» به راه افتاد و تاخت به خانه مهتاب سوزن‌دوز، مدیران وقت میراث‌فرهنگی به او قول دادند که خانه دوباره ساخته شود اما مشهورترین سوزن‌دوز بلوچ ایران، وقتی در ۷۸سالگی از دنیا رفت این قول عملی نشده بود. درست دو سال از مرگ مهتاب نوروزی می‌گذرد، زنی که لاقل ۶۳سال یکی از قدیمی‌ترین‌های صنایع‌دستی ایران را در محروم‌ترین خطه کشور زنده نگه داشت. اگرچه مهتاب در طول سال‌های فعالیتش با مشکلات مختلفی دست‌وپنجه نرم کرد و کمتر از حمایت مسوولان بهره‌مند شد اما حتی مرگ نیز نتوانست او و هنرش را در زیر خاک مدفون کند. باوی بلوچ سوزن‌دوزی، با تربیت چند شاگرد، نگذاشت

ناصر ملک مطیعی



«داوود رشیدی» و خانواده او، همه از اهالی هنر هستند و خانوادگی سهم بزرگی در هنر ایران زمین دارند. همسرش احترام برومند و فرزندش لیلی رشیدی هنرمندانی ارجمند هستند. نکته در خور توجه راجع به او این است که «داوود رشیدی» از یک خانواده دیپلمات و تحصیلکرده وارد هنر شده و اندوخته‌های خود را از بزرگ‌شدن در چنین خانواده‌ای، به عرصه هنر آورده

تولدِ دیگر

«داوود رشیدی» فردا ۸۱ساله می‌شود

به امید دیدار



تئاتر و سینما بسیار موفق عمل کرده و مدتی هم که سرپرستی انجمن بازیگران خانه سینما را برعهده داشته، برای احقاق حقوق صنفی تلاش بسیار کرده است.

متأسفانه در سال‌های اخیر، گرفتاری‌های مختلف زندگی روزمره مجال دیدار را از ما گرفته. امیدوارم جشن ۸۱سالگی او بهانه‌ای باشد برای دیدار دوباره ما. برای «داوود رشیدی» آرزوی سلامت، خوبی و خوشحالی دارم.

سایه‌اش بر سر هنر ایران، مستدام باشد.

گزارش

بعضی آدم‌ها که هموعان خود را فراموش نمی‌کنند



در مدرسه که کودکان مهاجر این کشور در آن درس می‌خواندند، به ایران آمد و یکی، دوروز همراه آنان بود. او در آن‌روزها مشغول ساختن فیلم «گذشته» در فرانسه بود. از همان راه دور نیز مسایل کشورش را در نظر داشت و نسبت به زلزله درنناک آذربایجان در سال ۹۱ نیز سریع واکنش نشان داد و به‌عنوان تنها ایرانی برنده اسکار پیاپی کوتاه برای دلداری فرستاد. این‌بار اما او اقدامی عملی را آغاز کرده و با تیزهوشی بر نکته‌ای انگشت گذاشته است که در سال‌های گذشته ایرانیان در آن توانا شده‌اند و آن انجام کارهای گروهی است. کمپین‌هایی که در فضای مجازی واکنش ایجاد می‌کند و در عین حال هزینه‌ای نیز ندارد و حتی از پشت صندلی هم می‌توان انجامش داد. می‌توان امید داشت که این کمپین مانند دیگر تجربه‌های مشابهش در دیگر کشورها با واکنش مثبت روبه‌رو خواهد شد. مانند همان وقتی که «شان‌بن» و چند نفر دیگر با عکس‌هایی در دست نسبت به ربوده‌شدن دختران در نیجر به فروخته‌شدنشان توسط بوک‌ورام اعتراض کردند.



گیسو فغفوری

این طرف دنیا بهم ریخته است، نزدیک ما، همین خاورمیانه، همین همسایه‌هایمان. داعش است و عراق و عکس‌ها و فیلم‌های وحشتناک غزه است و نسل‌کشی کودکان. انگار قرار هم نیست که کسی جلو آنان را بگیرد. تعداد کودکان کشته‌شده هرروز در غزه بالاتر می‌رود و بیشتر و بیشتر بمب و خمپاره بر سر مردم ریخته می‌شود. خبرنگاران و عکاسان و شبکه‌های مجازی اتفاقات را منتشر می‌کنند؛ از دردها و رنج‌ها و گاهی خسونت‌ها. اینکه یک عده نشست‌اند و ارسال موشک به غزه را تماشا می‌کنند جای سوال دارد. آن کش‌های خونین دخترانه هم قلب آدم را می‌لرزاند. اینطوری بود که آدم‌های مشهور هم وسط آمدند شاید کمی دیر، شاید کمی با تعجب، شاید هم باورش‌ان نمی‌شد که ایندفعه ماجرای بمب‌ها و کشت‌و‌کشتارها ادامه‌دار شده است، مثل همه ما. شهرت یک‌جور مسوولیت می‌آورد، انگار ستارهای کشورها دیگر به انجام وظیفه‌شان در این زمینه بیشتر اعتقاد دارند یا شاید معتقدند صاییشان و تصویرشان بیشتر شنیده و دیده می‌شود. اگر اشکان دژاگه جزو اولین نفراتی بود که به ماجرای غزه واکنش نشان داد، بهرام رادان، باران کوثری و چکامه چمن‌ماه در اینستاگرامشان عکس‌هایی درباره این جنایت‌ها منتشر کردند. خله سینما بیانیسه داد و مجید مجیدی فراموش



بانک رفاه کارگران

خدمت USSD

برای پرداخت حق بیمه کارفرمایان سازمان تأمین اجتماعی

کارفرمایان محترم سازمان تامین اجتماعی شما می‌توانید برای پرداخت حق بیمه خود علاوه بر تلفن‌بانک،

موبایل بانک، اینترنت بانک، دستگاه خودپرداز و کارت شتابی از طریق پورتال بانک، از خدمت جدید

بانک رفاه کارگران با عنوان **USSD** نیز برای این منظور بهره‌مند شوید.

طریقه استفاده:

شما می‌توانید با استفاده از سامانه **USSD** و وارد کردن **کد #۷۱۳*۷۲۴*** بر روی گوشی تلفن همراه،

وارد منوی پرداخت قبض سازمان تأمین اجتماعی شده و با ثبت اطلاعات شناسه قبض، مبلغ قبض، شماره کارت

و رمز دوم کارت، قبض مربوطه را با هریک از کارت‌های عضو شتاب پرداخت کنید.



اداره روابط عمومی

www.refah-bank.ir

مرکز فراد (پاسخگویی و اطلاع رسانی): ۰۲۱-۸۵۲۵